



3 دسمبر 2022

داکتر سید عبدالله کاظم

نگاهی مختصر به سقوط و عروج خانواده سردار یحیی خان

سلطنت محمدظاهرشاه و صدارت محمدهاشم خان

(بخش یکصد و یکم)

تشکیل "دافغانستان بانک" و لزوم نشر بانکنوت:

در اواخر سال 1317 (1939) اولین بانک مرکزی بنام "دافغانستان بانک" به سرمایه 120 ملیون افغانی تأسیس گردید و یک قسمت از سهمیه دولت دربانک ملی به آن بانک انتقال یافت. با آنکه این بانک از نظر تشکیلات دارای مجمع عمومی سهامداران و هیئت مدیره است که توسط مجمع عمومی انتخاب می شود و در راس آن یک "گورنر" (رئیس عمومی) قرار دارد و از لحاظ حقوقی ماهیت یک شرکت سهامی را دارا میباشد، اما عملاً بانک مذکور یک بانک دولتی محسوب شده و غیرمستقیم زیر نظر حکومت (وزارت مالیه) فعالیت میکند. دافغانستان بانک به حیث بانک مرکزی از همه اولتر وظیفه دارد تا مقدار پول در دوران و نیز بازار اسعار را تنظیم و کنترل کند و درمورد استقرار ارزش پول افغانی اقدام نماید، همچنان در مواقع لازم از طریق اعطای قرضه بالخصوص وقتیکه دولت به کسر بودجه مواجه باشد، به دولت کمک کند. (برای شرح مزید دیده شود - داکتر محمدانورشبان و داکتر محمدنعیم اسد: "امکانات استفاده از تیوری و سیاست پولی و بانکداری در افغانستان"، 1994، صفحه 167 - 178)

عمده ترین انگیزه تأسیس این بانک در ابتداء همانا نشر "بانکنوت" بود که بر مبنای مقدار معین پشتوانه "طلا" به آن اقدام کرد. درمورد چاپ بانکنوت ها باید گفت که با آغاز جنگ جهانی دوم چاپ بانکنوت ها تقریباً دوسال به تعویق افتاد، تا آنکه در اواخر سال 1319 (1941) نوتهای جدید به دوران انداخته شد. مقدار آن در آغاز 300 ملیون افغانی و شامل نوتهای دو، پنج، ده، بیست، پنجاه و صد افغانی بود که هر یک آن اندازه، شکل و رنگهای مختلف داشت. از نظر دیزاین در یک روی این نوتها برای اولین بار عکس پادشاه (محمدظاهرشاه) چاپ شد و در متن آن برای اولین بار نام یک بانک یعنی "دافغانستان بانک" درج گردید. از همین رهگذر است که نوتهای مذکور را "بانکنوت" میگویند.

دولت برای چاپ بانکنوت چندی قبل از شروع جنگ جهانی دوم هیئتی را به اروپا اعزام کرد و هیئت نخست میخواست نوتهای جدید افغانی در جرمنی چاپ شوند، اما آغاز جنگ در آن وقت مانع اینکار شد و چون چاپ نوتها در سوئیس از یکطرف وقت بیشتر را در بر می گرفت و از طرف دیگر با مصارف زیادتر توأم بود، از آنرو بعد از یک بررسی همه جانبه تصمیم گرفته شد که قرارداد چاپ بانکنوتها با یک کمپنی انگلیسی در لندن عقد گردد. به همین اساس از آن تاریخ تا اوایل کودتای ثور 1357 نوتهای افغانی متواتر در لندن چاپ می شدند.

برای نظارت از مصئونیت پول هنگام چاپ و جلوگیری از تقلب، در آنوقت اینکار زیر نظر یک هیئت مختلط از نمایندگان حکومت افغانستان، حکومت انگلستان و کمپنی چاپ بانکنوتها صورت می گرفت، طوریکه کلیشه بانکنوتها را بعد از چاپ در یک صندوق مخصوص با مهر و لاک هرسه هیئت در یک

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

مرکز رسمی نگهداری میگردند و حینیکه چاپ نوت هربار رویدست گرفته میشد، صندوق در حضور هیئت باز میگردید و کلیشه ها زیر چاپ میرفت. در طول مدت چاپ، هیئت از جریان چاپ مستقیماً نظارت میکرد و بعد کلیشه ها دوباره مهر و لاک شده به مرجع مخصوص انتقال می یافتند. این روش در طول سالهای اخیر سلطنت یکی دوبارنوتهای تقلبی در بازار دیده شد که روی انگیزه های سیاسی از طریق پاکستان داخل کشور گردیده بود. (دیده شود: کاظم، سید عبدالله: "افغانستان بسوی انفلاسیون سرسام آور"، چاپ کالیفورنیا، فبروری 1995، صفحه 11 تا 14)

نمونه بانکنوتهای دوره شاهی - دو، پنج و صد افغانیگی (چاپ 26 دلو 1318):



قابل توجه: اندازه اصلی این بانکنوتها از آنچه به هدف نمایش از اصل در این نوشته کاپی شده است، از هم فرق دارند. (برگرفته از کلکسیون آقای محمد طارق مهداوی)

طوریکه در بالا ذکر شد، یکی از انگیزه های مهم دیگر که لزوم تشکیل دافغانستان بانک را به حیث بانک دولتی دارای صلاحیت نشر بانکنوت حتمی ساخت، همانا مشکلات پیهم کسر بودجه دولت بود. بودجه دولت در عصرامانی از سال 1298 تا اغتشاش سقوی (1306) همیشه تفاضل داشت یعنی عواید دولت بیشتر از مصارف آن بود، اما بعد از اغتشاش در دوره سلطنت محمدنادرشاه بودجه دولت از سال 1309 تا 1325 (البته به استثنای سالهای 1315 و 1316 متوازن، 1317 و 1323 تفاضل) متواتر دچار کسر بود، طوریکه از ارقام ذیل برمی آید:

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلینکی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

سال 1309 - عواید 64 ملیون افغانی، مصارف 126 ملیون افغانی، کسر بودجه 62 ملیون افغانی

- 1310 - عواید 84، مصارف 118، کسر 34
 - 1311 - عواید 133، مصارف 140، کسر 7
 - 1312 - عواید 108، مصارف 120، کسر 12
 - 1313 - عواید 120، مصارف 161، کسر 41
 - 1314 - عواید 121، مصارف 134، کسر 13
 - 1315 - عواید 161، مصارف 161، متوازن
 - 1316 - عواید 220، مصارف 220، متوازن
 - 1317 - عواید 173، مصارف 163، تفاضل 10
 - 1318 - عواید 168، مصارف 200، کسر 32
 - 1319 - عواید 172، مصارف 148، کسر 23
 - 1320 - عواید 161، مصارف 166، کسر 5
 - 1321 - عواید 103، مصارف 163، کسر 60
 - 1322 - عواید 117، مصارف 180، کسر 63
 - 1323 - عواید 219، مصارف 167، تفاضل 51
 - 1324 - عواید 226، مصارف 229، کسر 3
 - 1325 - عواید 339، مصارف 344، کسر 5
- (مبالغ مذکور به ملیون افغانی است)

در ماه جوزای 1325 محمدهاشم خان از مقام صدارت استعفی داد و بجایش شاه محمود خان به حیث صدراعظم مقرر گردید و در دوره هفت ساله صدارت او (تا سال 1332 که نوبت صدارت به محمد داؤد رسید) باز هم بودجه دولت دارای کسرنسبتاً کمتر بود، البته به استثنای سالهای 1329 و 1330 که بودجه در حالت توازن قرار داشت. (برای شرح مزید دیده شود - کتاب "افغانستان در پنجاه سال اخیر"، ناشر: مؤسسه طبع کتاب، سنبله 1347، صفحه 56 - 57)

اکنون برای پاسخ به این سؤال که دولت برای توازن بودجه، مبلغ کمبود را از کدام مدرک تلافی و کسر را در سالهای فوق مرفوع میکرد، صرف دو راه وجود داشت: یکی اخذ قرضه از خارج و دیگر استقراض از بانک مرکزی. تاجائیکه معلوم است در طول مدت فوق دولت افغانستان برای تمویل پروژه های خود و رفع کسر بودجه رسماً قرضه از خارج نگرفته است، لذا این سؤال لاجواب می ماند که دولت از سال 1309 تا 1314 چگونه و از کدام طریق کسر قابل ملاحظه بودجه را کارسازی کرده است؟ یک احتمال آنست که شاید دولت از خارج به منابع کمکی دست یافته باشد که نخواست به دلایل سیاسی آن کمک های نقده را علنی سازد و یا اینکه در همان سالها مبالغ نقد و طلا را که در نتیجه خانه پالپها از محلات شورشی در کوه دامن، قطغن و بدخشان و دیگر جاها بدست آورده باشد، بدون آنکه به آن رسمیت دهد، شامل عواید دولت ساخته و کسر بودجه را بشکل نامرئی رفع کرده باشد! (والله اعلم)

اما از سال 1314 به بعد واضح است که یگانه راه برای رفع کسر بودجه همانا استفاده از نشر پول بود که نخست به شکل "نوتهای خزانة" به مبلغ مجموعی 200 ملیون افغانی در همان سال به دوران

انداخته شد و متعاقباً با تشکیل دافغانستان بانک در سال 1318 بانکنوت های جدید به مبلغ مجموعی 300 ملیون افغانی در انگلستان چاپ گردید و دولت ظاهراً بنام استقرض از بانک مرکزی یک قسمت زیاد آنرا اخذ و کسر بودجه خود را از آن طریق تلافی نمود.

در اینجا قابل ذکر است که بعد از ختم جنگ عمومی دوم، هنگامیکه بانک جهانی و صندوق جهانی بین المللی تأسیس شد، افغانستان نیز عضویت آن دو مؤسسه را حاصل کرد و پول افغانی تحت مقررات بین المللی از طرف مؤسسات مذکور به رویت مقدار پشوانه طلا در برابر دیگر اسعار تثبیت ارزشی گردید. اما بعداً در سالهای 1970 با از بین رفتن محدودیت پشوانه در نظام پولی جهان، پول افغانی نیز از این محدودیت بیرون آمد و حکومت در اندازه نشر پول مطابق به ضرورت دست آزاد پیدا کرد. در اواسط سالهای 1340 بار اول نوتهای 500 افغانیگی و 1000 افغانیگی نیز چاپ و به دوران انداخته شد.

شرح یک رویداد واقعی و دلچسپ:

داکتر اسدالله شعور - یکی از محققان تاریخ فولکلور کشور یک رویداد واقعی را در ارتباط با موضوع نشر عکس پادشاه در بانکوت های جدید تحت عنوان "آخرین محفل رضانی دربار" به رشته تحریر آورده و آنرا در هفته نامه امید به نشر سپرده است که شرح آنرا اینجانب نیز سالها قبل از چند زبان شنیده است و ذکر قسمت های آن در اینجا خالی از دلچسپی نخواهد بود:

داکتر شعور می نویسد: «در سال 1318 خزانه شاهی بر آن شد تا تصویر شاه [علیحضرت محمد ظاهر شاه] را نیز روی نوتهای مروج کشور بیاورد، از اینرو سلسله نوتهای جدید را که در لندن به چاپ رسیده بود، سر از 26 دلوهمان سال به دوران انداخت. ولی عکس العمل روحانیون در برابر آن منفی بود، زیرا ملاها در مساجد تبلیغ میکردند که نگهداشتن تصویر انسان در جیب، علامت بت پرستی بوده و با موجودیت این نوتهای حاوی عکس در هنگام نماز، عبادت عابد بدرگاه خداوند مقبول نمی افتد و این تبلیغ باعث گردید تا بازاریان و عامه مردم از قبول نوتهای جدید ابا و رزند و این امر برای دولت آنروز مشکلات فراوانی ببار آورد.»

«محمد هاشم خان صدراعظم که مرد مستبد و در عین زمان انسان مدبری بود، در صدد چاره برآمد. چون ماه رمضان نزدیک بود، او در صدد تشکیل محفل رمضانیه گردید و از تمام ملاهای بزرگ و سرشناس کشور... دعوت کرد تا در این محفل که از طرف شاه برگزار گردیده است، به مصرف دولت شرکت کنند... به روز پانزدهم رمضان سال 1318 شمسی تمام ملا امامان مساجد، مدرسان مدرسه های دینی و روحانیون مرکز و ولایات کشور در دعوت افطاریه شاه در تالار سلامخانه ارگ حضور بهم رسانیده با شخص ظاهر شاه و اراکین بزرگ دولت از نزدیک دیدار کردند.»

«در این محفل که سخرانی ها ایراد و اشعار رمضانیه خوانده شد، نیم ساعت قبل از نماز خفتن و ادای تراویح، هاشم خان صدراعظم اعلام نمود که پادشاه بخاطر تفقد و احترامی که به علمای دینی دارند، امر فرموده اند که به هریک از حاضرین مجلس مبلغ پنجصد افغانی از خزانه دولت طور بخشش اعطا گردد. چون اهل مجلس پنجصد افغانی از نوتهای کاغذی کاملاً جدید را که در آن روزگار مبلغ هنگفتی بود، با ولع و اشتیاق تمام به جیب بردند، هاشم خان به مؤذن مسجد ارگ اشاره کرد که آذان گوید.»

«بعد از ختم نماز، همینکه امام جماعت که به احتمال قوی یکی از علمای مشهور دینی از خانواده حضرات مجددی و وزیر عدلیه بود، میخواست دست به دعا بلند کند، محمد شاه خان رئیس ضبط احوالات به پا خاسته، اجازه خواست تا قبل از دعا عرایضش را تقدیم علمای کرام کند، چون اجازت

یافت، سررشته سخن را بدست گرفت و گفت: "بشما علمای کرام معلوم است که تمدن امروزی ایجابات خاصی دارد، کشور ما باید پا به پای تمدن جهانی پیش برود. یکی از مظاهر مدنیت امروزی، پول کاغذی است که بخاطر سهولت در نگهداری و انتقال و آسانی در داد و ستد روزمره در سراسر دنیا عام شده و طبعاً درکشور ما نیز ازسالیانی است که رایج گشته و همه گان به فواید آن آگاهیم. چون پول هرکشور باید مشخص کننده دین و آیین و تمدن و فرهنگ مملکت خود باشد و ما برای اینکه ثابت سازیم که افغانی پول رایج یک کشوراسلامی است، درآن عکس های از ابنیه که استقلال و اسلامیت ما را به ثبوت میرساند و همچنین عکس پادشاه جوان اسلام اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه را سند آورده ایم. اما دشمنان دین و وطن اسلامی ما تبلیغ میکنند که گویا با داشتن نوت درجیب، نماز کسی مقبولیت درگاه رب العزت را نمی یابد. چون دراین مجلس علمای کرام سرتاسر کشور از برکت لطف پادشاه اسلام درکنارهم قرار دارند، چی میشود که قبل از دعای نماز دراین مورد که آیا این ادعای دشمنان ما صحت دارد یا اینکه تبلیغ محض و مضرانه میباشد، نظر شما روحانیون متبرک را جویا گردیم."»

«پس ازآنکه رئیس ضبط احوالات گفتار خود را ختم کرد، محمدهاشم خان صدراعظم شخصاً به پا برخاست و رو به اهل مجلس نمود و پرسید: "آیا نماز ما همه که یک یک بندل این نوتها را در جیب داشتیم، قبول شده و یا اینکه نماز امشب را از سر بگیریم؟" حاضرین که منظور اصلی صدراعظم را ملتفت گردیده بودند، چاره ای نداشتند، جزآنکه بگویند که: "نماز قبول شده ست!" ، زیرا یکطرف خوف از دیکتاتور شماره یک کشور و از سوی دیگر ترس از دست دادن این مبلغ هنگفت، همه را به تردید موضوع واداشت. چون صدراعظم چنین دید، گفت: "بهتر است شما علمای بزرگوار که در حمایه از دولت اسلامی تان قرار دارید، ذهن مردم عوام را که از علم بهره کمتر دارند، روشن ساخته فتوایی در زمینه صادر کنید تا دشمنان بیش ازاین باعث گمراهی مردم ما نگردند". سپس به اشاره او رئیس جمعیت العلماء متن فتوای از پیش ترتیب داده شده را حاضر مجلس ساخته از همه گان مهر و امضاء گرفتند و سر از فردای آنروز کسی علیه پول کاغذی که عکس درآن نصب بود، تبلیغ نمیکرد.» (شعور، اسدالله: "آخرین محفل رمضانی دربار"، منتشره شماره 401 هفته نامه امید، مورخ 27 دسمبر 1999)

باید علاوه کرد که دربین این علما اکثر کسانی بودند که در دوره امانی با همچو اقدامات دولت مخالفت کرده و مردم را علیه حکومت به قیام تحریک می نمودند، درحالیکه در برابر سردار محمد هاشم خان نتوانستند حرفی در مخالفت با اقدام رژیم به زبان آورند. دراینجا تنها نشر عکس پادشاه مهم نبود و نیست، بلکه شکستادن به اصطلاح یک "تابو" است که میتوانست راه را برای اقدامات بعدی باز کند. چنانکه همه شاهد هستیم، در دوره اول ظلمت طالبان بار دیگر رکود فکری آنها موجب شد تا هرآنچه مربوط به تصاویر و عکس "زنده جان" بود، همه را غیرشرعی پنداشته و تا جائیکه بدست شان رسید، همه را از بین بردند. لذا به گفته قدما این حکایت به ما تعلیم میدهد که: قدم گذاشتن بسوی تمدن در یک جامعه سخت عنعنوی، مستلزم جرأت توأم با وارد کردن یک اندازه فشار و اعمال قدرت است، در غیر آن قوتهای محافظه کارمی توانند جامعه را با رکود مواجه سازند و از رسیدن به کاروان مدنیت عصر باز دارند.

(ادامه دارد)